

مطالعات اسلامی زنان و خانواده
دوفصلنامه علمی- پژوهشی
سال ششم- شماره یازدهم
پاییز و زمستان ۱۳۹۸

مقایسه رویکرد معروف‌گرا و حقوق‌گرا در انعطاف‌بخشی به روابط همسران و حقوق زنان (با تأکید بر آیه ۲۲۸ سوره بقره)

معصومه حافظی^۱

طیبه حسام‌پور^۲

چکیده

پژوهش حاضر، با هدف تبیین و مقایسه دو رویکرد معروف‌گرا و حقوق‌گرا و تأثیر آن بر انعطاف روابط همسران و حقوق زنان، به بررسی «اصل معاشرت به معروف» در آیه ۲۲۸ سوره بقره پرداخته و نگرش قرآن پژوهان را واکاوی، مقایسه و ارزیابی کرده است. نتایج بررسی این دو رویکرد نشان می‌دهد که در برداشت‌های حقوق‌گرا، جایگاه اساسی قاعده معروف، به حاشیه رفته، یا اصلاً مورد توجه قرار نگرفته و تبیین آیه، بیشتر به جنبه حقوق ثابت و خشک در روابط همسران اختصاص یافته است. برخلاف برداشت‌های معروف‌گرا که در آن‌ها، لفظ معروف، کاربرد گشته و در کانون توجه قرآن پژوهان قرار گرفته است و نیز به عنوان یک اصل در روابط همسران، به چگونگی روابط آن‌ها و حقوق زنان انعطاف بخشیده است. نگاه معروف‌گرا به اصل معاشرت به معروف را می‌توان به دو شاخه معروف‌گرایی الزامی و غیر الزامی تقسیم کرد. معروف‌گرایی الزامی، برخلاف معروف‌گرایی غیر الزامی، به اصل مزبور به عنوان اصلی اخلاقی- حقوقی می‌نگرد و به آن ضمانت اجرایی می‌دهد که در پرتوی آن، روابط همسران- در کنار معیارهای ثابت دینی- بر پایه عرف متدینین، از انعطاف برخوردار گشته و به حقوق اجتماعی زنان از جنبه‌های مختلف جریان بخشیده است. این نوع نگرش در آثار برخی از مفسران و حقوقدانان معاصر، جایگاه برجسته‌ای را به خود اختصاص داده است.

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، اصل معاشرت به معروف، معروف‌گرایی، حقوق‌گرایی، روابط همسران، حقوق زنان

۱. دکتری مدرسی معارف گرایش قرآن و متون اسلامی دانشگاه قرآن و حدیث قم؛ دانش آموخته سطح دو جامعه الزهراء (ع.ا.ه.ع.)

(نویسنده مسئول) hafezi.mp@gmail.com

۲. دانش پژوه سطح چهار گرایش کلام جامعه الزهراء (ع.ا.ه.ع.) samad5279941@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۹

مقدمه

آموزه قرآنی معاشرت به معروف میان همسران، اصلی اخلاقی-حقوقی است که در سایه آن، روابط همسران همواره از هر گونه آزار و ایذائی به دور خواهد بود و حقوق همسران نیز از پویایی برخوردار خواهد گشت. در تحلیل حاکمیت اصل قرآنی معاشرت به معروف میان همسران، مستندات کلی^۱، نقش برجسته و اصولی داشته و مستندات جزئی^۲ که به مصداقی از روابط معروف‌گونه همسران اشاره دارد، جریان فهم کاربردی بودن شاخص‌های کلی را هموارتر می‌نماید. چگونگی نگرش و تحلیل ابعاد این اصل مهم، دو رویکرد معروف‌گرا و حقوق‌گرا را در عرصه نظریات علمی پدید آورده است.

هدف پژوهش حاضر با محوریت آیه شریفه ۲۲۸ بقره، به عنوان یکی از صریح‌ترین مستندات کلی اصل معاشرت به معروف، درصد ترسیم دو رویکرد معروف‌گرا و حقوق‌گرا از نگاه قرآن پژوهان است؛ رویکردی که می‌تواند پویایی و تعالی حقوق زنان و خانواده را ثمر دهد، یا رویکردی که نقش مؤثر قاعده معروف را به حاشیه برده و از اصل بودن آن غفلت ورزیده و چه بسا رکود و انحراف از حقوق واقعی زنان را نتیجه بخشد. سیر بررسی و شفاف‌سازی این دو رویکرد به عنوان شاهدی بر اهمیت و ضرورت بنیادین حاکمیت معاشرت معروف‌گونه بر روابط همسران و تأثیر آن بر حفظ نظام خانواده و حقوق واقعی زنان تلقی می‌شود.

پرسش اصلی پژوهش این است که نگاه قرآن پژوهان در تفسیر آیه ۲۲۸ بقره، معروف‌گرا یا حقوق‌گرا است؟ در راستای پاسخ به این پرسش، به سؤال زیر نیز پاسخ داده می‌شود که پیامد رویکرد معروف‌گرا و حقوق‌گرا در تفسیر آیه ۲۲۸ بقره، چه تأثیری بر روابط همسران و حقوق زنان می‌گذارد؟

در این پژوهش، سعی بر آن است تا با بررسی آثار تفسیری و برخی از آثار فقهی و حقوقی و با روش کتابخانه‌ای و بهره بردن از روش تفسیر اجتهادی - با تأکید بر تفسیر قرآن به قرآن -

۱. همچون آیات شریفه: «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»؛ و با آنها به شایستگی رفتار کنید. (نساء، ۱۹)؛ «هَلْهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ»؛ و مانند همان [وظیفی] که بر عهده زنان است، به طور شایسته، به نفع آنان [بر عهده مردان] است. (بقره، ۲۲۸).
۲. همچون: تهیه خوراک و پوشاک با معروف: «عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»؛ خوراک و پوشاک آنان [مادران]، به طور شایسته، بر عهده پدر است. (بقره، ۲۳۳)؛ دادن مهریه با معروف: «أَتَوْهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»؛ مهرشان را به طور پسندیده به آنان بدهید. (نساء، ۲۵).

رویکردهای مذکور بررسی شده و تأثیر هر یک از آن دو بر چگونگی روابط همسران و حقوق زنان تبیین گردد.

پیرامون اصل معاشرت به معروف، با وجود نظرات پراکنده در کتب فقهی، حقوقی و اخلاقی، در دهه اخیر مقالاتی نگاشته شده است؛ از جمله مقاله قربان نیا و حافظی (۱۳۸۸) با عنوان «بررسی اصل معاشرت به معروف میان همسران از منظر قرآن کریم». بررسی پیشینه این پژوهش نشان می‌دهد که تاکنون به اصل معاشرت به معروف، صرفاً از جنبه کلی و لزوم آن در روابط همسران و نیز تبیین حاکمیت آن بر گوشه‌هایی از مسائل و روابط همسران پرداخته شده است؛ مانند مقاله حافظی و میرزایی (۱۳۹۶) با موضوع «اصل معاشرت به معروف در قرآن (رویکرد مبنامحور در مقایسه با رویکرد رفتار محور)»، یا مقاله حافظی و قاضی زاده (۱۳۹۷) با عنوان «نقد و بررسی دیدگاه‌های مربوط به تعدد زوجات در پرتوی اصل معاشرت به معروف». اما پیرامون این پژوهش که در آن، رویکرد معروف‌گرایی و حقوق‌گرایی قرآن پژوهان در تفسیر یکی از مستندات قاعده معروف، بررسی و مقایسه می‌شود، تاکنون هیچ تحقیق مستقل و سامان‌مندی نگاشته نشده است.

۱. حقوق متقابل همسران با قید «معروف»

از منظر قرآن کریم، اصل معاشرت به معروف میان همسران، اصلی طرفینی است و قرآن کریم رعایت حقوق هر یک از همسران را با قید معروف لازم می‌شمارد (رک. قربان نیا و حافظی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۰-۱۰۷). مطابق مستند قرآنی «هُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره، ۲۲۸)، هر یک از همسران وظیفه دارند به شیوه‌ای که عرف متدین جامعه نیکو می‌شمارد، با یکدیگر رفتار نمایند. اگر چه در آیه شریفه، به مردان خطاب شده است؛ ولی آموزه طرفینی بودن این اصل، از آن مشخص و آشکار است.

۱-۱. مفهوم‌شناسی و گستره مصادیق معروف

واژه «معروف» از «عُرف» مشتق شده است (ابن منظور، ۲۰۰۰، ج ۱۰، ص ۱۱۲). «عُرف» نیز به معنای خوبی است و در مقابل «نُکر» به معنای بدی قرار دارد؛ از این رو، «معروف» که اسم مفعول از «عُرف» است، به معنای هر چیز خوب است و در مقابل «منکر» به معنای هر چیز بد، قرار دارد؛ چنانکه برخی از اهل لغت نیز «معروف» را ضد «منکر» و «عُرف» را ضد «نُکر» دانستند (همان؛

فیروزآبادی، بی تا، ج ۳، ص ۱۷۹. برخی از لغت‌شناسان، معنای «معروف» را کامل‌تر بیان کرده‌اند و «معروف» را عبارت از آنچه که در عادات و معاملات مردم معمول و متعارف است، دانسته‌اند (جر، ۱۹۷۳، ص ۸۲۴).

راغب اصفهانی منظور از معروف را این گونه بیان کرده است: «معروف هر فعلی است که توسط عقل و شرع پسندیده باشد» (راغب اصفهانی، ۱۴۲۳، ص ۵۶۱) و علامه طباطبایی، نیز در تعریف «معروف» تصریح نموده است: «کلمه (معروف) به معنای هر امری است که مردم در مجتمع خود آن را بشناسند و آن را انکار نکنند و به آن جاهل نباشند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۴۰۴). با این بیان، روشن است که معروف در تطبیق مصادیق، بر پایه عقل و شرع، می‌تواند از شمول و گستردگی برخوردار شود؛ از این رو، فعل معروف علاوه بر معیارهای ثابت شرع، لازم است توسط عقل نیز پسندیده باشد. بدون شک، عقل اکتسابی بشریت که در گذر زمان پیشرفت می‌کند و تمدن‌ها را دگرگون کرده، در رفتار معروف‌گونه انسان‌ها نیز تحوّل و ترقی ایجاد می‌کند.

۲-۱. خطاب مردان به اصل اخلاقی - حقوقی معاشرت معروف‌گونه

امر قرآنی معاشرت به معروف در قرآن کریم، تنها به مردان خطاب شده است؛ همچون آیات ﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾؛ و با آنان، به طور شایسته رفتار کنید (نساء، ۱۹؛ ترجمه مکارم شیرازی)، ﴿وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ﴾؛ و چون زنان را طلاق گفتید و به پایان عده خویش رسیدند، پس به خوبی نگاه‌شان دارید یا به خوبی آزادشان کنید (بقره، ۲۳۱) و نیز آیه شریفه ۲۲۸ بقره که در این مقاله به آن پرداخته می‌شود. همان طور که مطرح شد، این نوع خطاب یک طرفه، بیانگر یک طرفه بودن رعایت اصل معاشرت به معروف از منظر قرآن کریم نیست؛ لیکن آنچه از مستندات این اصل روشن است، آنکه در قرآن کریم خطاب این امر به سوی مردان بوده است. به نظر می‌رسد این خطاب، ممکن است بیانگر نوعی آسیب‌شناسی در این باره باشد که معمولاً در جوامع بشری، به ویژه در جامعه عصر نزول وحی، اقدامات ظالمانه مردان نسبت به زنان بیشتر بوده و در نتیجه امکان سوءاستفاده آنان به عنوان سرپرستان خانواده وجود داشته است. از این رو، قرآن کریم، مردان را به معاشرت معروف‌گونه امر می‌کند، تا علاوه بر حفظ آرامش همسران، از آسیب‌های ظلم علیه زنان نیز ممانعت شود و این در توجه به آیه شریفه

۱۹ سوره نساء^۱ نیز - به عنوان یکی از مستندات اصل معاشرت به معروف - قابل برداشت است. در این آیه، خطاب مردان به امر معاشرت به معروف با همسران خود، در برابر ظلم‌هایی است؛ مانند: به ارت بردن زنان، تحت فشار قرار دادن و در نتیجه، تصاحب اموال آن‌ها و نیز سوءاستفاده از حق طلاق به دلیل کراهت از همسران خود.

فخر رازی، به صراحت امر معاشرت به معروف را از تکالیف متعلق به احوال زنان دانسته (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰، ج ۱۰، ص ۱۲) و سید قطب نیز از فریضه بودن آن یاد کرده است (قطب، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۶۰۵). این موضوع در اندیشه برخی از حقوق‌دانان معاصر به روشنی بیان شده و از برجستگی برخوردار است؛ همان طور که یکی از حقوق‌دانان در این باره گفته است: «عاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»^۱ تنها یک تکلیف اخلاقی نیست، بلکه تکلیف حقوقی است» (قربان‌نیا، ۱۳۹۲، ص ۵۰).

۱-۳. اصل بودن معاشرت به معروف، با توجه به کاربرد معنایی معروف

به کار رفتن قید «معروف» در آیه شریفه «هُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره، ۲۲۸) و نیز دیگر مستندات اصل معاشرت به معروف، از جمله آیه شریفه «عاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (النساء، ۱۹) - که مردان را به معاشرت معروف‌گونه با همسرانشان امر نموده است - به دلیل پویایی و تطوّر واژه معروف در مصادیق، نشانگر گستردگی و جاودانگی این آموزه مهم دارد؛ در غیر این صورت، در آیه مزبور و در توجه دادن مرد به حقوق زن، واژه معروف به کار نمی‌رفت، یا به جای واژه معروف، با واژه واجب مقرون می‌گشت. به عبارت دیگر، به جای «هُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» از عبارت «لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيِهِنَّ بِالْوَجِبِ» استفاده می‌شد؛ حال آنکه فرق واژه «معروف» با «واجب»، آن است که در واجب، دیدگاه شریعت، صرفاً از ثبات برخوردار است؛ اما در واژه «معروف»، نوعی گستره مصداقی نهفته شده است که علاوه بر لحاظ معیارهای ثابت دینی، نگاه عرف متدبّین به تعاملات اخلاقی همسران را نیز به عنوان معیاری مشروع لازم می‌شمارد و بسیاری از مسائل میان همسران را تحت پوشش قرار می‌دهد و برخی از وظایف را در جوامع مختلف تحوّل بخشیده

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرْهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْنَهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَجَعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برای شما حلال نیست که زنان را به اکراه ارت برید؛ و آنان را زیر فشار مگذارید تا بخشی از آنچه را به آنان داده‌اید [از چنگشان به درآید]، مگر آنکه مرتکب زشتکاری آشکاری شوند، و با آنها به شایستگی رفتار کنید؛ و اگر از آنان خوش‌تان نیامد، پس چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و خدا در آن مصلحت فراوان قرار می‌دهد (نساء، ۱۹).

و وظایف مستحدثه‌ای را در قلمرو روابط همسران پدید می‌آورد. برای مثال، با توجه به این نوع گستردگی، امروزه معاشرت معروف‌گونه مرد در خصوص امور مربوط به پرکردن اوقات فراغت زن در منزل، نوع نفقه، فرصت ادامه تحصیل، فرصت اشتغال، نوع مسافرت و غیره کاملاً متفاوت از رفتار معروف‌گونه مردان در برخی از جوامع پیشین است.

۲. گرایش‌های قرآن پژوهان در تفسیر آیه ۲۲۸ سوره بقره

نگرش قرآن پژوهان به نقش کارکردی «معروف» در تفسیر آیه شریفه مزبور، دو گرایش را در آثار آن‌ها ظاهر می‌کند که می‌توان به «حقوق‌گرایی» و «معروف‌گرایی» تعبیر کرد. در تعریف این دو گرایش به طور مختصر می‌توان گفت: حقوق‌گرایی مربوط به آن اظهاراتی است که صرفاً به حقوق میان همسران عنایت ورزیده و در تبیین بار معنایی معروف و نقش محوری اخلاق، ناقص بوده و به اصل بودن آن توجه نشده است؛ در نتیجه، سبک تعاملات همسران در اندیشه آن‌ها، بازتابی از حقوق خشک و بی‌روح را به خود گرفته است. معروف‌گرایی، ناظر به آن دسته از اظهاراتی است که به واژه «معروف» در آیه شریفه اهتمام ورزیده و حتی بعضاً آن را به عنوان یک اصل حقوقی-اخلاقی مطرح کرده‌اند. به عبارت دیگر، مطابق این گرایش، روح معروف در همه ابعاد تعاملات همسران، جریان داشته و در نتیجه، تعیین روابط همسران از منظر آن‌ها اخلاق محور بوده و انعطاف‌پذیری بیشتری دارد.

۲-۱. برداشت‌های حقوق‌گرا

در برداشت‌های حقوق‌گرا، کارکرد «معروف» در روابط همسران نادیده انگاشته شده یا به حاشیه رفته است؛ به عبارت دیگر، در تبیین آیه مربوطه، نوعی بریدگی از واژه «معروف» به چشم می‌خورد و صرفاً از حقوقی ثابت میان همسران سخن به میان آمده است. به نظر می‌رسد که بعضاً گرایش حقوق‌محوری، در درک حقیقت «لِلرِّجَالِ عَلَیْهِمْ دَرَجَةٌ» که در پایان آیه ۲۲۸ بقره آمده است، نیز تأثیر گذاشته و باعث شده از توجه به سیاق و کانون توجه آیه شریفه که در حمایت از شخصیت و حقوق زنان روشنگری دارد، نیز غفلت شود.

۲-۱-۱. برداشت‌های حقوق‌گرا، زمینه استبدادورزی مرد در حق خواهی

جای تعجب نیست که در نظر نداشتن «بالمعروف» در تفسیر آیه‌ای که برای حمایت از حقوق

و شخصیت زنان در خانواده آمده است، حمایت از حقوق مردان و بستر حق خواهی را بیشتر نتیجه می‌دهد. در برخی تفاسیر، به واژه معروف اشاره نشده و صرفاً آیه مربوطه، به حقوق ثابت میان زوجین ارتباط داده شده و فراز آخر آن به فزونی حقوق مردان ختم شده است؛ همان طور که گفته‌اند: «آیه ﴿وَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلِيهِنَّ﴾ اشارت است به حقوق ثابت میان زوج و زوجه و زیادتی حقّ زوج بر زوجه به سبب مشارکت ایشان در آنچه مقصود است از نکاح و زیادتی مؤنث و مشقّت زوج در رعایت زوجه از جهت مهر و نفقه و کسوه و محافظت او» (حسینی جرجانی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۳۳).

برخلاف پندارهای غیر اصولی همچون برتری مردان در خَلْق و خُلُق (ابن‌کثیر دمشقی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۴۵۹)، کرامت (ابن‌جزی غرناطی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۲۲)، شرافت (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۰۷)، فضیلت (ابن‌عجیبه، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۲۵۷)، حق و فضیلت (بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۱۴۱)، شرف و فضیلت (شبر، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۲۲۹) و ... در تفسیر آیه شریفه ﴿لِلرِّجَالِ عَلِيهِنَّ دَرَجَةٌ﴾، آیت‌الله جوادی آملی از مفسّران معاصر، به حاکمیت اصل معاشرت به معروف توجه ورزیده و منظور از عبارت شریفه مذکور را به امور اجرایی مرتبط دانسته و فرمودند:

«اگر مبنای قیومیت مرد، آیه ﴿لِلرِّجَالِ عَلِيهِنَّ دَرَجَةٌ﴾ باشد، در مقابلش تعبیرهای ﴿وَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلِيهِنَّ﴾ یا ﴿وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ﴾ و غیره نیز وجود دارد. زن و شوهر، هر یک حقوق و وظایفی دارند و کلمه «درجه» در آیه مزبور دلیل ارزش افزوده وجودی نیست؛ بلکه ناظر به امور اجرایی است» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۸، ص ۵۵۳) و نیز گفته‌اند:

«مذکر بودن شرط و مؤنث بودن مانع فضیلت و کمال نیست. تنها در تقسیم کارها برخی از امور به مردان واگذار شده است» (همان، ص ۱۶۶).

علامه فضل‌الله از فقها و مفسّران معاصر نیز منظور از درجه را حقّ طلاق و مسئولیت مرد در انفاق و غیر آن دانسته و در شرح آیه شریفه تصریح نموده‌اند:

«هر حقی که مرد بر زن دارد، زن نیز بر مرد دارد، به جز: ۱. حقّ انفاق؛ زیرا زن نباید هزینه زندگی خود و همسرش را بپردازد؛ ۲. حقّ طلاق» (فضل‌الله، ۱۳۸۳، ص ۱۰۹).

روشن است که روابط همسران بر پایه حقوق و فارغ از محوریت اخلاق، نمی‌تواند از لذت و در نتیجه استحکام برخوردار باشد؛ بلکه به همان میزان که محوریت اخلاق در روابط همسران،

بذر مودت را میان آنها می‌گستراند، محوریت حقوق خشک، به گونه‌ای که روابط همسران، همواره صحنه حق خواهی گردد، بذر گسستگی و فروپاشی را میان آنها می‌پاشد و مسیر انحطاط خانواده‌ها را هموار می‌کند. یکی از خانواده‌پژوهان نیز به این موضوع اشاره کرده و گفته است:

«حقوق محوری و نادیده گرفتن مناسبات اخلاقی در پیگیری مطالبات زنان، به تخاصم دو جنس منجر می‌گردد» (زیبایی نژاد، ۱۳۹۱، ص ۱۶۷).

این بینش در اندیشه یکی از حقوق‌دانان نیز چنین بیان شده است:

«تا آنجا که در عمل پیداست و بررسی پرونده‌های اختلاف خانوادگی نشان می‌دهد، چنین می‌نماید که تأثیر اخلاق در خانواده بیش از دیگر شاخه‌های حقوق است. به راستی در ناسازگاری خانوادگی هیچ چیز مانند اخلاق به ویژه اخلاق مذهبی نمی‌تواند کارساز و چاره‌پرداز بیرون آید. خوش رفتاری، مهر و محبت و احترام و رعایت وظایف و تکالیف و تعهدات از سوی زن و شوهر سرچشمه‌ای جز اخلاق و اصول آن ندارد» (قربان‌نیا، ۱۳۷۸، ص ۱۵۳).

۲-۲. برداشت‌های معروف‌گرا

در برداشت‌های معروف‌گرا، لفظ «معروف» کاربردی گشته و نوعاً در تبیین تکالیف و حقوق همسران، به ویژه زنان، محوریت دارد.

در ادامه مباحث روشن خواهد شد که معروف‌گرایی در آثار برخی از قرآن‌پژوهان معاصر، جلوه بارزی یافته است. معروف‌گرایی در باور برخی از متقدمان نیز بوده است. شهید مطهری با ذکر برخی از متون فقهی، تصریح می‌کند که فقها از قدیم، معاشرت به معروف را به عنوان یک اصل پذیرفته بودند؛ سپس در ادامه چنین می‌گوید:

«هر چند کاملاً در فقه وارد نشده و احیاناً خلاف آن فتوا داده‌اند» (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۵،

ص ۳۶۲).

علت این واقعیت که آن گونه باید از این آموزه مهم قرآنی بهره گرفته نشده است، به بینش قرآن‌پژوهان درباره الزامی یا غیر الزامی بودن اصل مزبور برمی‌گردد. برداشت‌های معروف‌گرا را می‌توان به حسب باور قرآن‌پژوهان نسبت به الزامی بودن رفتارهای معروف‌گونه یا الزامی نبودن آن، به دو شاخه: «معروف‌گرایی الزامی» و «معروف‌گرایی غیر الزامی» تقسیم کرد. معروف‌گرایی

الزامی، به معاشرت معروف‌گونه به عنوان اصلی اخلاقی-حقوقی می‌نگرد که می‌تواند ضمانت اجرایی داشته باشد؛ اما معروف‌گرایی غیرالزامی، معاشرت معروف‌گونه با همسر را صرفاً به عنوان اصلی اخلاقی می‌داند که فاقد ضمانت اجرایی است.

۲-۲-۱. معروف‌گرایی غیرالزامی

معروف‌گرایی غیرالزامی، همچون آن دسته از نظریات است که تفسیر آیه شریفه مزبور را به گفته ابن عباس محدود نموده است که:

«من دوست دارم خودم را برای همسرم آراسته گردانم، همان طور که دوست دارم

همسرم، خودش را برای من آراسته گرداند» (ابن ابی الحاتم، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۴۱۷).

این برداشت، گرچه نوعی از معاشرت به معروف محسوب می‌شود؛ اما تبیین‌کننده همه زوایای آن نیست؛ بلکه گوشه‌ای از رفتارهای اخلاقی است که اگرچه ضمانت اجرایی ندارد، لیکن در استحکام روابط همسران مفید است. قابل توجه آنکه بر اساس سیاق آموزه‌های مربوط به معاشرت به معروف، اصل قرآنی مزبور در مقابل ظلم و ستم مردان علیه زنان آمده است؛ بنابراین، از بطن آن اصل قرآنی، حقوقی اخلاق محور و نو پدید می‌آید که البته امکان هر نوع سوءاستفاده‌ای را از موقعیت همسران در جوامع مختلف می‌زداید. قاعدتاً روابط همسران بر پایه حقوق یا اخلاق صرف نمی‌تواند به گونه‌ای آرامش بخش دوام یابد و این قاعده در کتاب آسمانی از زاویه تعامل معروف‌گونه آموزش داده شده است. برخی از خانواده‌پژوهان در تحقیقات خود تصریح نموده‌اند:

«عدم توجه به حقوق و تأکید یک جانبه بر اخلاق، زمینه را برای هرج و مرج و از هم گسستگی فراهم می‌سازد... در نقطه مقابل تأکید یک جانبه بر حقوق بدون تأکید بر اخلاق، روابط خشک و بی‌روح و توسعه تنازعات رادری دارد» (زیبایی‌نژاد، ۱۳۹۱، ص ۵۷).

۲-۲-۲. معروف‌گرایی الزامی

معروف‌گرایی الزامی، نقش اخلاق را در تداوم نهاد خانواده، حیاتی یافته و به آن در تعیین حقوق و تکالیف همسران - به ویژه زن که تحت سرپرستی مرد است - عنایتی ویژه داشته است؛ به گونه‌ای که یکی از حقوقدانان معاصر، موارد شراکت همسران در غم و شادی، خوشرویی، مسالمت و مهربانی، پرهیز از اعمالی که سبب ایجاد نفرت و کینه یا غم و اندوه فراوان در دیگری می‌شود، در تبیین حسن معاشرت همسران برای تأمین دوام خانواده، ضروری دانسته و سپس یادآور شده است:

«همه این تکالیف را ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی به این گونه بیان می‌کند که زن و

شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند» (کاتوزیان، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۱۹).

معروف‌گرایی از دیدگاه نویسندگان، الزام‌آور است و در مقاله دیگری، این مسئله در تفسیر آیه شریفه «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء، ۱۹) اثبات شده است (رک. قربان‌نیا و حافظی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۷-۱۰۳). در ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی نیز - همان طور که بیان شد - از این الزام به صراحت یاد شده است. به عبارت روشن‌تر، منظور از معروف‌گرایی الزامی، آن است که معروف در کانون توجه بوده و از بار حقوقی نیز برخوردار شده است و این با حقوق‌گرایی متفاوت است؛ زیرا منظور از حقوق‌گرایی، تأکید بر حقوقی است که عاری از توجه به قاعده معروف است.

۱-۲-۲. تأثیر معروف‌گرایی الزامی در حمایت از شخصیت و حقوق زنان

توجه به الزامی بودن قاعده معروف در روابط همسران، آن را در قاعده اخلاقی منحصر نمی‌کند که الزام و ضمانت اجرایی را به دنبال نداشته باشد؛ بلکه آن را وظیفه‌ای حقوقی می‌یابد که باید ضمانت اجرایی داشته باشد. یکی از حقوقدانان در این باره با صراحت گفته است:

«وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ». تنها یک تکلیف اخلاقی نیست؛ بلکه تکلیف حقوقی است؛ یعنی اگر شیوه معاشرت مرد با زن به گونه‌ای باشد که موجب عسر و حرج زن گردد، قانون حق طلاق را به زن می‌دهد و او می‌تواند از دادگاه تقاضای طلاق کند» (قربان‌نیا، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۶۲).

از این رو، در پرتوی اصل معاشرت به معروف، حق درخواست طلاق دادن او از دادگاه، در هنگامه عسر و حرج ثابت می‌شود. همچنین معروف‌گرایی الزامی به مصادیق حقوق همسران به دیده ثبوت نمی‌نگرد؛ بلکه به آن‌ها جریان بخشیده و غالباً به مصادیقی از حقوق زنان اشاره می‌کند که بر اساس قضاوت عرف دیندار، نیک ظهور می‌نماید. با این نگاه، حقوق و شخصیت زنان، سیر تکاملی و فرایند رشد را به خود می‌گیرد؛ زیرا معمولاً بر اساس این بینش، هر نوع ظلمی که از منظر عرف متدینان در حقوق متقابل همسران شناخته شده باشد، در تفسیر آیه شریفه با آن مقابله شده یا حداقل مورد اشاره قرار می‌گیرد. بر اساس معروف‌گرایی الزامی، حقوق زنان در روابط زوجین، از حمایت، حفاظت و پویایی برخوردار خواهد بود که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

الف. حقوق علمی و اجتماعی زنان

شاید تصور شود که طبق شریعت اسلامی، شوهر به عنوان سرپرست خانواده اجازه می‌یابد

که مانع از آزادی زن شود و حقوق مشروع علمی، اجتماعی و... زن را که تزاممی با رعایت حقوق زوج ندارد، نادیده بگیرد؛ ولی مطابق اصل معاشرت به معروف که رفتار معروف‌گونه شوهر با همسر خود را لازم می‌داند، چنین برداشتی، نوعی ظلم محسوب می‌شود. معاشرت معروف‌گونه با زن، بستر رشد علمی و اجتماعی زنان را در جامعه مهیا می‌کند. در فقه شیعه، نیز به این مسئله اهمیت داده شده و چنانچه دست‌یابی زن به حقوق مختلف خود، با حق استمتاع همسر، تزاممی ایجاد نکند، اذن همسر نیاز نیست؛ ولی چنانچه تزاممی ایجاد شود، اذن همسر لازم دانسته شده است^۱ (یزدی، ۱۳۸۵، ص ۳۵۵). قابل توجه آنکه در تزامم حقوق زن و مرد، آنچه از نظر شرع مهم است، باید مقدم شود.

معروف‌گرایی الزامی با روند حمایت‌گونه از زنان در حیطة تعامل آن‌ها با سرپرست خانواده، در برخی تفاسیر معاصر به خوبی قابل استتشاف است؛ همان طور که در تفسیر *المیزان*، در این باره به استقلال و آزادی اجتماعی زنان پرداخته است؛ زیرا عرف عصر مفسر، به این حد از درک مقام و موقعیت زنان رسیده و مفسر نیز به این موضوع توجه ورزیده و در نتیجه، با مهجوریت زنان مقابله نموده و از آزادی اجتماعی آنان در ذیل تفسیر آیه مربوطه دفاع کرده است. علامه طباطبایی رحمته‌الله علیه در تفسیر آیه مربوطه تصریح نمودند:

«همان طور که مرد در تصرف در جمیع شئون حیات فردی و اجتماعی خود به جز مواردی که ممنوع است، استقلال دارد، زن نیز باید استقلال داشته باشد. اسلام هم که دین فطری است، این استقلال و آزادی را به کامل‌ترین وجه به زن داده است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۱۴).

نقش عرف در شناخت معروف در مقایسه تفاسیر با یکدیگر می‌تواند آشکار شود. برای مثال، در تفسیر *المیزان* با وجود اینکه از کاربرد معروف در آیه شریفه، حمایت از استقلال و آزادی زن برداشت می‌شود؛ اما پیرامون حقوق علمی و فرهنگی زن، ضرورتی جز فراگیری اصول معارف و فروع دین دانسته نمی‌شود و وارد شدن در برخی از رشته‌های علمی می‌تواند فقط برای او به عنوان نوعی فضل محسوب شود (همان، ص ۴۱۱). علامه طباطبایی رحمته‌الله علیه در این باره فرموده است:

«زن از جهت کسب علم، بیش از علم به اصول معروف و فروع دین (یعنی عبادات

۱. «إذا آجرت الزوجة نفسها بدون إذن الزوج فيما ينافي حق الاستمتاع وقفت على اجازة الزوج بخلاف ما اذا لم يكن منافياً فائمه صحيحة وإذا اتفق ارادة الزوج للاستمتاع كشف عن فسادها».

و قوانین جاریه در اجتماع) وظیفه وجوبی دیگر ندارد... اما تنظیم امور زندگی فردی، یعنی رفتن به دنبال کار و کسب و صنعت و نیز مداخله در مصالح اجتماعی و عمومی، از قبیل دانشگاه رفتن و یا اشتغال به صنایع و حرفه‌های مفید برای عموم و نافع در اجتماعات، با حفظ حدودی که برایش معین شده، هیچ یک بر زن واجب نیست» (همان).

این در حالی است که در تفسیر تسنیم، با چند دهه تفاوت فرهنگی، در ذیل تفسیر «عاشروهنن بالمعروف»، مدیریت زنان در اداره بیمارستان‌ها، آموزشگاه‌ها و صدها مراکز علمی و اجرایی لازم شمرده شده؛ در نتیجه، تحصیل علم بانوان برای رسیدن به چنین مسئولیت‌هایی ضروری دانسته شده است (جوادی آملی، ج ۱۸، ص ۱۶۷). آیت‌الله جوادی آملی درباره این گونه وظایف اجتماعی زنان تصریح می‌دارد:

«از آنجا که تأمین نیازهای جامعه واجب کفایی است، عده‌ای باید شرایط آن را تحصیل کنند تا در امت اسلامی خلاف شرع رخ ندهد و نمی‌توان گفت مسئله درمان و مانند آن با ضرورت حل می‌شود؛ زیرا می‌توان جلوی اصل ضرورت را گرفت، پس چرا از باب ضرورت، کار خلاف اجازه داده شود. بنابراین، مردها - اعم از همسر و پدر و برادر - در این گونه موارد حق ندارند ممانعت کنند و اگر جلوگیری کنند و خلاف شرعی پدید آید، آنان مسئول و معاقب هستند» (همان، ص ۱۶۸).

تغییر نیازهای زنان در جامعه و توجه و دقت مفسر به ضرورت‌ها و واقعیت‌های اجتماعی و از همه مهم‌تر، توجه به نقش الزام‌آور قاعده معروف است که در تفسیر مستند مذکور، از حقوق اجتماعی یا علمی زنان حمایت می‌شود. شایان توجه است که در پنج قرن پیش، از جمله دفاعی که در راستای حقوق علمی زنان در تفسیر آیه مربوطه می‌شد، آن بود که مطابق معاشرت به معروف، شوهر مقداری از علم دین را به همسرش بیاموزد؛ چنانکه در تفاسیر آمده است: «آنچه از علم دین به کار آید، به وی تعلیم دهد» (کاشانی، ۱۳۳۶، ج ۲، ص ۱۴). همان علمی که بر پایه معاشرت به معروف در نه قرن پیش، به آموزش نماز، طهارت و حیض از سوی شوهر خلاصه می‌گشت (رشیدالدین میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۶۲۱).

حمایت از حقوق و شخصیت زنان در پرتوی معروف‌گرایی مفسران، از این هم فراتر رفته و در تفسیر آیه مربوطه (بقره، ۲۲۸) که به حقوق همسران مربوط است، گویی به مردان متذکر و بر

زنان رهنما گردیده‌اند که اگرچه سمت‌های قضاوت و مرجعیت به عهده مردان است؛ اما زنان نیز می‌توانند قاضی‌پرور و فقیه‌پرور شوند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۱، ص ۲۷۲). با تشریح این جریان از فهم معروف، باید اذعان کرد که رشد علمی و فرهنگی زنان و مردان در جامعه، در فهم روابط معروف‌گونه بسیار تأثیر دارد و زمانی که رشد و ترقی زنان، توازن خود را با رشد اجتماعی مردان به دست آورد، شاهد درک بهتری از معاشرت به معروف خواهیم بود. بدون شک، این تنها گوشه‌ای از اسرار جاودانگی آموزه‌های مدرن قرآن کریم است.

در واقع، واقعیت‌های عینی رشد علمی زنان در جوامع معاصر، دیدگاه‌های معرفتی و الگوی ناقص جوامع پیشین راجع به مکان و منزلت زنان را متحوّل ساخته؛ تا آنجا که حتی در تفسیر تسنیم، ضمن تبیین آموزه معاشرت به معروف، درباره توانایی علمی زنان تصریح شده است:

«زن می‌تواند از نظر تحصیل آن چنان پیشرفت کند که همانند شیخ انصاری و صاحب جواهر هزاران شاگرد بیوراند که برخی از آنان مرجع تقلید شوند، هر چند خودش مرجع تقلید نباشد و نیز می‌تواند مدرّس حقوقی باشد و شاگردان او بر مسند قضا بنشینند، گرچه خود او داوری نکند. کارهای اجرایی با ترقی و کمال علمی و معنوی تفاوت دارد» (همان، ج ۱۸، ص ۱۶۷).

چنین ضرورتی در جامعه معاصر در کلام رهبر جامعه اسلامی نیز فریضه شمرده شده؛ چنانکه در این باره تصریح نمودند: «خانم‌ها موظفند که انواع و اقسام رشته‌های تخصصی پزشکی مثل قلب و داخلی و اعصاب و ... را دنبال کنند. این فریضه است» (دفتر نشر آثار مقام رهبری، ۱۳۸۵، ص ۲۵).

ب. حقّ نفقه زنان

توجه به نقش مبنایی معاشرت به معروف، می‌تواند عملکرد اخلاق محور هر یک از همسران را در مسئله نفقه ضروری شمارد و آن‌ها در این باره از سوءاستفاده و تعدی، باز داشته و به رفتار حسنه مزین نماید. یکی از حقوق‌دانان معاصر، بر این موضوع تأکید داشته و از آیه شریفه «عاشروهنّ بالمعروف» (نساء، ۱۹) که می‌فرماید با زنان به نیکی رفتار کنید، به عنوان دستور قرآن مجید یاد نموده و از آن چنین برداشت نموده که انفاق به زوجه باید چنان باشد که عادتاً سزاوار اوست (کاتوزیان، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۸۷). بر این اساس، درباره نفقه زن چنین گفته‌اند: «تمام وسایلی است که زن، با توجه به درجه تمدّن و محیط زندگی و وضع جسمی و روحی خود، به آن نیازمند است» (همان).

با این بینش، تعیین مصادیق نفقه در قوانین خانواده جز به صورت نوعی و کلی، منطقی نیست؛ زیرا مطابق با عرف و اعصار سرزمین‌ها متفاوت می‌شود. پیش‌تر در ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی، منظور از نفقه چنین دانسته شده است: «نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت که به طور متعارف با وضعیّت زن مناسب باشد و خادم در صورت عادت زن یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضا».

نکته قابل توجه آنکه در جامعه معاصر، یکی از هزینه‌های متعارف، هزینه تحصیل علم، استخر، باشگاه ورزشی و غیره است که ماده مزبور را ناقص جلوه می‌دهد؛ از این رو، این ماده قانونی در سال ۱۳۸۱ بازنگری شد و نقص قانون فوق برطرف شده و مطابق با اصل معاشرت به معروف گردید: «نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیّت زن، از قبیل مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم، در صورت عادت زن به داشتن خادم و یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضا».

توجه به الزامی بودن اصل معاشرت به معروف در تعیین نفقه در آثار برخی از فقها نیز به صراحت آمده است؛ از جمله شهید ثانی انفاقی که زن به حسب عادت شایسته آن است، از مصادیق معاشرت به معروف دانسته است (عاملی، بی‌تا، ج ۵، ص ۴۶۹). صاحب جواهر نیز بر اساس معاشرت به معروف و اطلاق نفقه، همه احتیاجات زن را شامل نفقه دانسته و با منحصر شدن نفقه در هزینه دارو، عطر، سرمه و حمام مخالفت کرده است (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۳۳۷-۳۳۶).

در برخی از جوامع کهن، هزینه استحمام یا سرمه زن، در زمره مصادیق نفقه تبیین شده و ممکن است حتی هزینه این موارد در برخی از جوامع معاصر نیز از مصادیق نفقه محسوب شود؛ ولی غالباً در جامعه معاصر، دیگر این نوع هزینه‌ها مطرح نیست و موارد دیگری از احتیاجات زن مطرح است که در جوامع پیشین حتی به ذهن کسی هم خطور نمی‌کرد.

شایان ذکر است زن نیز بر حسب الزامی بودن قاعده معاشرت به معروف، باید به توان مالی مرد توجه داشته و او را در این باره به زحمتی خارج از وسعش نیندازد؛ زیرا یکی از کارکردهای اصل معاشرت به معروف، مقابله با ظلم کردن در روابط همسران است. در شرایطی که توان مالی مرد، اقتضای تهیه هزینه‌های غیر ضروری همچون ماشین ظرف‌شویی، زیورآلات به روز، تنوع فراوان وسایل زندگی را ندارد، زن باید رفتاری معروف‌گونه با همسر خود داشته و او را در خرج و سختی نیندازد.

بنابراین، ملاک از عرف، عرفی نیست که از انصاف و جوانمردی به دور باشد. از این رو، علامه فضل‌الله که در پرداخت نفقه زوجه، قید «معروف» را آورده، علاوه بر توجه به موقعیت زن در نیازهای مادی اش، به امکانات مرد نیز توجه داشته و در نتیجه، به معروف رفتار کردن را به شوهر منحصر ندانسته است (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۷، ص ۲۳۲). مقابله با این نوع سوءاستفاده در فرهنگ قرآن کریم، ضمن طرح مصادیقی از نفقه بر حسب معروف، با این قاعده که «هیچ کس جز به قدر وسعش مکلف نمی‌شود» بیان شده است؛ چنانکه در این باره آمده است: ﴿وَعَلَى الْمُؤَدِّ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا﴾؛ و خوراک و پوشاک آنان [مادران]، به طور شایسته، برعهده پدر است. هیچ کس جز به قدر وسعش مکلف نمی‌شود. (بقره، ۲۳۳)

ج. خروج زن از منزل

جهت برقراری نظم در هر نهاد و سازمانی، لازم است خروج اعضا، با خواسته مدیر آن نهاد هماهنگ باشد. لزوم رعایت این قاعده در خانواده، وضوح و اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا نهاد خانواده بر پایه دوستی و مودت پی‌ریزی می‌شود و خارج شدن زن به عنوان اصلی‌ترین عنصر مودت و رحمت و پناهگاه عاطفی مرد از منزل، بدون هماهنگی با وی، زمینه آرامش‌زدایی مرد و دیگر اعضای خانواده را به وجود آورده و باعث اضرار بر وفاق و همبستگی در خانواده می‌شود. از این رو، در آموزه‌های دینی، اذن شوهر در خروج زن از منزل لازم شمرده شده است. برای نمونه، در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است که زنی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره حق شوهر بر زن سؤال کرد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله حقوقی را در این باره نام بردند؛ از جمله فرمودند: زن نمی‌تواند بدون اذن همسرش از منزل خارج شود (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۵۸). بر این اساس، فقهای عظام، خروج زن بدون اذن شوهر را بر زن جایز نمی‌شمارند. البته درباره گستره این حکم میان فقها اختلاف نظر است؛ عده‌ای خروج زن را تحت هر شرایطی حتی صلّه رحم، از جمله دیدار با والدین مشروط به اذن شوهر می‌دانند (رک. نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۱۴۷؛ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۳۳۱) و برخی آن را منوط به حق استمتاع دانسته و در صورتی که خروج زن با حق مزبور منافاتی نداشته باشد، اذن شوهر را لازم نمی‌شمارند (رک. خویی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۸۹؛ فضل‌الله، ۱۳۸۳، ص ۱۱۲). قابل توجه است که تعیین محدوده این حکم بر اساس مبانی و اصول قرآنی در جامعه معاصر - که زنان از رشد علمی، فرهنگی و اجتماعی برخوردار شده‌اند - ضروری و لازم است. به نظر می‌رسد این مسئله در پرتوی الزامی بودن اصل معاشرت به معروف و جبهه منطقی به خود گرفته و زمینه سوءاستفاده مرد در

جهت ممانعت از زن در اموری همچون دیدار با والدین، اشتغال، تحصیل علم را در این باره از بین می‌برد.

آنچه که بیش از هر چیز دیگر قبح این نوع سوءاستفاده را آشکار می‌کند، بینش افراد جامعه از شأن و موقعیت زنان در اجتماع است. نگاه علامه فضل‌الله از فقها و مفسران معاصر به اصول اخلاقی همچون اصل معاشرت به معروف موجب شده که ایشان با نظر برخی از فقها مبنی بر اینکه مرد می‌تواند با فراهم کردن همه نیازهای همسر خود از بیرون رفتن وی ممانعت کند، مخالفت نماید و آن را شرعی نداند؛ چنانکه دلیل این نوع مخالفت را چنین بیان می‌دارد:

«دلیل ما نیز این است که حبس ابد با قاعده امساک به معروف و معاشرت به معروف که از دیدگاه قرآن باید بر زندگی زناشویی حاکم باشد، سازگار نیست؛ این کار هم چنین با قاعده رفع حرج از انسان‌ها (آسان‌گیری) در دین تناسب ندارد. بی‌شک، اینکه به مرد حق بدهیم که همسرش را به حبس ابد بیفکند و بیرون رفتنش را وابسته به اجازه او سازیم، بزرگ‌ترین سخت‌گیری بر زن است؛ خواه این حق عملی شود یا نشود» (فضل‌الله، ۱۳۸۳، ص ۱۱۱).

بر این اساس، بیرون رفتن زن از دیدگاه ایشان در صورتی که با حق بهره‌گیری جنسی ناسازگار باشد، اشکال دارد (همان، ص ۱۱۲).

یکی از فقهای معاصر نیز مواردی از حکم مطلق عدم جواز خروج زن از منزل بدون اذن همسر را استثناء کرده و تصریح نموده است که مشکلی که ما با فتوای بزرگان داریم، عمومیتی است که قائل شده‌اند. از جمله مواردی که از منظر ایشان، خروج زن از منزل بدون اذن شوهر را بلا اشکال می‌کند، مواردی است که چنانچه شوهر نهی کند، مصداق عدم معاشرت به معروف است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ج ۶، ص ۱۲۱-۱۲۰). بنابراین، توجه به الزامی بودن معاشرت به معروف در روابط زوجین، زمینه حمایت از شخصیت و حقوق زوجه را فراهم کرده و مانع سوءاستفاده از حقوق وی می‌شود.

نتیجه‌گیری

بررسی آیه شریفه ۲۲۸ سوره بقره، به عنوان یکی از صریح‌ترین مستندات اصل معاشرت به معروف میان همسران، دو نوع رویکرد را در آثار قرآن پژوهان نمایان کرده است. در این پژوهش با بررسی این موضوع و تمهیدات لازم آن، نتایجی به شرح زیر به دست آمد:

الف. تطوّر معنایی معروف، بیانگر نوعی گستره مصداقی آن است که نگاه عرف دیندار را با لحاظ معیارهای ثابت دینی، به عنوان اصلی مهم در تعاملات همسران تلقی کرده است. توجه به سیاق مستندات آموزه معاشرت به معروف میان همسران، آن را به عنوان اصلی اخلاقی-حقوقی مطرح می‌کند که از منظر قرآن کریم لازم است همواره بر تعاملات زوجین سایه افکند و خطاب آن به مردان، بیانگر نوعی آسیب‌شناسی و حمایت از حقوق زنان-که می‌تواند بیشتر در معرض آسیب باشند- است.

ب. چگونگی تفسیر و تحلیل مستندات آموزه معاشرت به معروف میان همسران در نگاه قرآن پژوهان، دو نوع رویکرد معروف‌گرا و حقوق‌گرا را پدید آورده است. در نگاه حقوق‌گرا، تفسیر معروف در کانون توجه قرآن پژوهان نبوده و از نقش اصل بودن آن، غفلت ورزیده شده است؛ در نتیجه، روابط همسران در این نوع تلقی، به حقوقی خشک و بی‌روح مبدل گشته و حقوق زنان در خانواده، فارغ از هر گونه پویایی شده است. در برداشت‌های معروف‌گرا، قاعده معروف در کانون توجه قرآن پژوهان قرار گرفته و به عنوان یکی از اصول حاکم بر روابط همسران، به نقش اخلاق در روابط زوجین اهمیت داده شده است.

ج. برداشت‌های معروف‌گرا در تبیین و تحلیل قاعده معروف، معروف‌گرایی الزامی و معروف‌گرایی غیر الزامی را پدید آورده است. معروف‌گرایی الزامی، نقش قاعده معروف را در تداوم نهاد خانواده حیاتی و الزام‌آور یافته و در کنار توجه به معیارهای ثابت دینی، به نگاه پسندیده عرف دیندار نیز در تعیین و مصداق‌یابی حقوق همسران توجه ورزیده و به آن جنبه حقوقی بخشیده است؛ در نتیجه، در پرتوی آن به حقوق زنان نیز پویایی بخشیده و در تفسیر مستندات معاشرت به معروف، به حقوق اجتماعی، علمی، فرهنگی و... زنان اشاره کرده است. برخلاف معروف‌گرایی غیر الزامی که صرفاً معاشرت به معروف را قاعده‌ای اخلاقی، فارغ از بار ضمانت اجرایی یافته و ضمن انعطاف بخشی به روابط همسران، از حاکمیت آن در تبیین حقوق آن‌ها بی‌بهره مانده و در نتیجه در آن نگرش، حقوق زنان، پویایی و سیلان لازم را به دست نیاورده است.

فهرست منابع

- *قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.^۱
۱. ابن ابی الحاتم، عبد الرحمن بن محمد (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، عربستان سعودی: مکتبه نزار مصطفی الباز.
 ۲. ابن جزى غرناطی، محمد بن احمد (۱۴۱۶ق)، التسهیل لعلوم التنزیل، بیروت: شرکت دارالرقم بن ابی الارقم.
 ۳. ابن عجیبه، احمد بن محمد (۱۴۱۹ق)، البحر الممدید فی تفسیر القرآن المجید، قاهره: حسن عباس زکی.
 ۴. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، بیروت: دارالکتب العلمیه.
 ۵. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم (۲۰۰۰م)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
 ۶. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق)، انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۷. جزّ، خلیل (۱۹۷۳م)، لاروس، پاریس: مکتبه لاروس.
 ۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، قم: اسراء.
 ۹. حافظی، معصومه و کاظم، قاضی زاده (۱۳۹۷)، «نقد و بررسی دیدگاه‌های مربوط به تعدد زوجات در پرتوی اصل معاشرت به معروف»، زن و جامعه، سال نهم، ش ۳، ص ۱۷۲-۱۴۳.
 ۱۰. حافظی، معصومه و محمدرضا، میرزایی (۱۳۹۶)، «اصل معاشرت به معروف در قرآن (رویکرد مبنامحور در مقایسه با رویکرد رفتارمحور)»، پرتو وحی، پاییز و زمستان، ش ۷، ص ۷۱-۸۸.
 ۱۱. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
 ۱۲. حسینی جرجانی، سید امیر ابوالفتوح (۱۴۰۴ق)، آیات الاحکام، تهران: نوید.
 ۱۳. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد (۱۳۶۳)، تفسیراتنا عشری، تهران: میقات.
 ۱۴. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ق)، منهاج الصالحین، قم: مدینه العلم.
 ۱۵. دفتر نشر آثار مقام معظم رهبری (۱۳۸۵)، زن ریحانه آفرینش (مجموعه دیدگاه‌های مقام معظم رهبری پیرامون زن)، قم: دارالهدی.
 ۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۲۳ق)، مفردات ألفاظ القرآن الکریم، قم: ذوی القربی.
 ۱۷. زیبایی نژاد، محمدرضا (۱۳۹۱)، مجموعه مقالات و گفت و گوها، قم: مرکز نشر هاجر.
 ۱۸. شبّر، سید عبدالله (۱۴۰۷ق)، الجوهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین، کویت: مکتبه الألفین.
 ۱۹. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر نشر انتشارات اسلامی.
 ۲۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الامامیه، محقق/مصحح: سید محمدتقی کشفی، تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.

۱. چنانچه از ترجمه دیگری استفاده شده باشد، نام مترجم در متن مقاله آمده است.

۲۱. عاملی، زین الدین بن علی (شهیدثانی) (بی تا)، *الروضة البهیة فی شرح اللمعة دمشقی*، تصحیح و تعلیق: سید محمد کلانتر، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۲. فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، *مفاتیح الغیب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۳. فضل الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹ق)، *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر.
۲۴. _____ (۱۳۸۳)، *دنیای زن (گفتگو)*، مترجم: واحد ترجمه دفتر پژوهش و نشر سهروردی، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
۲۵. فیروزآبادی، مجدالدین محمد بن یعقوب (بی تا)، *القاموس المحيط*، بیروت: دار الجبل.
۲۶. قریان نیا، ناصر (۱۳۷۸)، *اخلاق و حقوق بین الملل*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی؛ سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت).
۲۷. _____ (۱۳۹۲)، *تأمل در فقه: تحول در حقوق*، تهران: نشر میزان.
۲۸. _____ (۱۳۸۴)، *بازپژوهی حقوق زن*، تهران: روز نو.
۲۹. _____ و معصومه، حافظی (۱۳۸۸)، «بررسی اصل معاشرت به معروف میان همسران از منظر قرآن کریم»، *بانوان شیعه*، ش ۲۰، ص ۹۷-۱۱۸.
۳۰. قطب، سید بن ابراهیم شاذلی (۱۴۱۲ق)، *فی ظلال القرآن*، بیروت - قاهره: دارالشروق.
۳۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۵)، *حقوق مدنی خانواده*، تهران: شرکت انتشار با همکاری بهمن برنا.
۳۲. کاشانی، ملافتح الله (۱۳۳۶)، *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران: کتاب فروشی محمدحسن علمی.
۳۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، *یادداشت های استاد مطهری*، تهران: صدرا.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴ق)، *کتاب النکاح*، محقق/مصحح: محمدرضا حامدی و مسعود مکارم، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابیطالب (علیه السلام).
۳۵. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، محقق/مصحح: عباس قوچانی و علی آخوندی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۶. یزدی، محمدکاظم (۱۳۸۵)، *مدارک العروة الوثقی (فقه الشیعة)*، شارح: محمدمهدی موسوی خلخالی، تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.